

این شعار را در جنبش اعتراضی تبلیغ کنیم: برقراری مجلس موسسان سنگ بنای دموکراسی در ایران است

جنبش انقلابی مردم نیاز به شعارها و اهداف مشخص دارد. دنباله روی از شعارهای خیابان و تنها داشتن شعارهای سلبی می تواند منجر به یک فاجعه شود. این درس از انقلاب بهمن را باید به نسل امروز و درگیر در قیام منتقل کرد. در جریان قیام و بحران های اجتماعی نیروهای غیر دمکراتیک داخلی و خارجی بمانند نیروهای پیشرو و مترقی بدنبال پیشبرد اهداف خود هستند. از اینرو شعارهای سلبی بر علیه حکومت اسلامی امری است لازم اما ناکافی. شیفتگی و دنباله روی از شعارهای جنبش اعتراضی خطرناک ترین، پویولیستی ترین و فرصت طلبانه ترین نوع برخورد است که تنها نشانه عدم آمادگی چپ برای ایفای نقش سیاسی خود است.

متأسفانه در میان نیروهای طرفدار براندازی جمهوری اسلامی نیروهایی هستند که اگر چه حداقل در شعار آزادی و حق رای مردم را برسمیت می شناسند. اما با حق مردم ایران برای تعیین و تاسیس نظام سیاسی مخالفند و سعی دارند با توسل به هر دلیلی عدم اعتقاد خود به حق رای مستقیم آحاد مردم در تاسیس نظام سیاسی که در مجلس موسسان متجلی میشود و سنگ بنای دموکراسی در ایران است را پنهان کنند. آنها وانمود می کنند پذیرش حق رای عمومی با پذیرش حق رای عمومی برای تاسیس نظام تفاوتی ندارد.

سلطنت طلب ها سلطنت را به رای عمومی نمی گذارند و اعلام می کنند که در یک نظام پارلمانی حق رای مردم را برسمیت می شناسند. اما این بمعنای به رای گذاردن رژیم سلطنتی و پادشاه نیست.

مجاهدین هم پیش از پیروزی قیام هم رهبر انقلاب و هم رئیس جمهور دارند و از هم اکنون اعلام کرده اند که پس از قیام زحمت بقیه را خود کشیده و برای دوره ای زمام امور کشور را خود به عهده خواهند گرفت.

چپ غیر دمکرات ایران نیز که عمدتاً در طیف های گوناگون سازمان اقلیت غلبه دارد و سایه آن و طرفداران مشی غیر دمکراتیک آن حتی در سازمانهای دیگر چپ نیز دیده می شوند علناً با حق رای آحاد مردم ایران در تاسیس نظام سیاسی که در مجلس موسسان تجلی می یابد مخالفت می کنند. برای مثال سازمان اقلیت در سایت خود در سند "وظایف فوری انقلاب حکومت شورایی" می نویسد:

"دولت بورژوازی که دمکراتیکترین شکل آن جمهوری پارلمانی است که بر تارک آن مجلس موسسان قرار گرفته است، ابزار ستمگری و سرکوب طبقه سرمایه دار برای اسارت طبقه کارگر است ... حکومت شورایی که برآمده از قیام مسلحانه توده ها و تبلور اراده آنها می باشد، آن نظام سیاسی است که در آن اعمال حاکمیت مستقیم و بلاواسطه توده ها جایگزین بوروکراسی، ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم می گردد

<http://fadaian-aghaliyat.org/?p=180>

این آشکارترین و صریحترین ابراز مخالفت با حق رای عمومی برای تاسیس نظام سیاسی توسط مردم است. این نوع نگرش استبدادی و نفی حق رای مردم یکی از اختلافات اساسی سازمان راه کارگر به مثابه یک سازمان چپ دمکرات و سازمانهای غیر دمکراتیک نظیر اقلیت است. سازمانهایی که کماکان از مواضع غیر دمکراتیک بلشویکی روس دفاع می کنند و هیچگونه درسی از برقراری نظام تک حزبی و حکومت حزب به نام طبقه کارگر نگرفته اند و کماکان همان شعارهای دوران استالینی در تعریف دولت شورایی را ارائه می دهند. نکته خطرناک در دیدگاه چپ غیر دمکرات عدم درک این مطلب ساده است که یک جامعه سوسیالیستی بر فراز دستاوردهای مدنی- علمی- فرهنگی بازمانده از سرمایه داری بنا می شود. نه از راه نفی دستاوردهای مدنی و آزادی های رایج اجتماعی در آن. در سوسیالیسم حق و رای مردم توسط اقلیتی مصادره نمی شود. سوسیالیسم فراماسیونی است پس از سرمایه داری اما بر روی خرابه های سرمایه داری بنا نمی شود. دموکراسی سوسیالیستی گسترش و بسط حق حاکمیت توده ها در سوسیالیسم است و نه تعطیلی حقوق دمکراتیک مردم که در دوران سرمایه داری به آن دسترسی یافته اند. قرار نیست اینبار به نام سوسیالیسم یک اقلیت دیگری دوباره آزادی و حق رای مردم را در قرن 21 سلب کند و بزور بخواهد مردم را به سراب و بهشت خود ببرد. این واقعیت تلخ در تاریخ تکرار شده است و نیازی به تکرار مجدد این تجربه تلخ نیست. چپ غیر دمکرات تکرار استالینیسم و تک حزبی دوران بلشویکی- استالینی در قرن 21 است. عدم مرزبندی روشن با این چپ غیر دمکرات در جامعه تشنه به آزادی و دموکراسی در ایران تنها و تنها ما را به سطح یک سازمان غیر جدی تنزل می دهد. سازمانهای سیاسی چپ مخالف با حق رای

عمومی در تاسیس نظام سیاسی در جامعه ای تشنه به آزادی و تشنه در استفاده از رای خود بهیچوجه جدی تلقی نخواهند شد.

نیروی دیگری که می تواند با انحاء گوناگون با مجلس موسسان و حق مردم در تاسیس نظام سیاسی در مقاطعی مخالفت کند چپ رفرمیست است که با تکان ها و رفرم های بزرگ اجتماعی بمانند انقلاب مخالفت می کند. این نیرو تنها زمانی به مجلس موسسان تن خواهد داد که یا خود دست بالا را داشته باشد یا مجلس موسسان به آن تحمیل شود. این نیرو عمدتاً رفرم و تغییرات کوچک را می پسندد و در سیاست امروز ایران در پی کسب حکومت سیاسی و اجرای سیاست چپ نیست. این نیرو عمدتاً در پی سیاست "که بر که" و "حمایت بد از بدتر" است از اینرو نقش این نیرو در چارچوب قدرت یابی اصلاح طلبان حکومتی متوقف می شود.

در اینجا نمی خواهم به سیاست ائتلافی بپردازم اما بدون شک نیروهای سیاسی مخالف حق رای مردم در تاسیس نظام، نیروهای طرفدار و تحت حمایت نیروهای خارجی و نیروهایی که حاضر به انجام رفرم های بزرگ اقتصادی بسود کارگران و زحمتکشانشان نیستند نمی توانند و نباید به عنوان متحدان سیاسی ما تلقی گردند. مردم ایران بدنبال آزادی، دموکراسی و عدالت اقتصادی هستند. نیروهایی که ضد دموکراسی و مخالف حق تاسیس نظام سیاسی از طریق رای مستقیم مردم باشند و یا بخواهند در مسیر حفظ سرمایه داری پیش بروند نمی توانند به عنوان متحدان چپ دموکرات تلقی شوند. آزادی و سوسیالیسم و دموکراسی سه مفهوم هموزن هستند که در کنار هم معنای واقعی خود را دارند و بایستی در کنار هم از سوی چپ تبلیغ شوند.

پس از سرنگونی نظام استبدادی اسلامی هر نظام سیاسی دیگری که بدون اعتناء بر آراء آزاد آحاد مردم بخواهد برقرار شود و قرار باشد که ابدی تلقی شود و در آن راهکار عملی برای تجدید نظر در شکل حکومتی برای آیندگان بسته باشد نباید قابل قبول باشد و چپ نمی بایست و نمی تواند مدافع این اقدام ضد دموکراتیک باشد.

احترام به رای مردم در تاسیس نظام سیاسی از طریق مجلس موسسان با صراحت به عنوان نخستین سنگ بنای دموکراسی در برنامه سازمان ما قید شده است و جا دارد که در شرایط قیام مردمی در کنار شعارهای مردم به عنوان نخستین سنگ بنای دموکراسی در ایران به تبلیغ مجلس موسسان بپردازیم.

حمید موسوی پوراصل

1 ژانویه 2018